

وحدت و یکدلی پایه و اساس همه موفقیت ها

روزی مردی بر در خانه خود نشسته بود. یکی از روستاییان سوار بر خری از جلوی او می گذشت، صاحب خانه با روستایی آشنایی دوری داشت ولی نه در حد "خانه خواه". رهگذر سلامی کرد و صاحبخانه پاسخی و نفرمایی. روستایی گویی منتظر این کلام شیرین بود به سرعت از الاغ خویش پایین پریده، گفت آی به چشم. رفیق عزیز بفرما میخ طویله خرم را کجا بکوبم؟ صاحبخانه که دید یک کلمه تعارف کرده و دو سه روز باید به شکم بکشدگفت: بیا بکوب سرز بان بنده.

ما هم اشتباهی کرده نوشتیم که ورزش و بودن در آن نباید وسیله ای برای دستیابی به اهداف غیر ورزشی باشد، نوشتیم که صداقت در ورزش باید در راس همه اقدامات، حرف ها و گفته های مسؤولین باشد، نوشتیم که ورزش را باید برای ورزش دوست داشت و تلاش و دوندگی در آن را فقط و فقط در جهت خدمت بی منت و جلب رضایت خالق و مخلوق انجام داد، نوشتیم که به خاطر چند روز پست و مقام نباید واقعیت ها زیر پا گذاشته شود و گفتیم که در ورزش حرکت در محدوده وظایف و قدرت و توانایی خود پسندیده و مورد قبول است، یادآوری کردیم که در ورزش نباید حاصل تلاش دیگران را مصادره کرد و هر کار و اقدام مناسبی را با استفاده از فرصت های به دست آمده به نام خود ثبت کرده و در اختیار افکار عمومی قرار داد، گفتیم که وحدت و یک دلی در ورزش پایه و اساس همه موفقیت ها به شمار می رود و اگر کسانی در هر موقعیت و منصبی که بوده باشند بخواهند با توسل به هر روش و رسمی، وحدت ورزشی را به هم بزنند خائنانی هستند که طردشان از جامعه ورزش لازم و ضروری است، نوشتیم که یک مسؤول نباید حداکثر انرژی خود را برای مطرح شدن، در مقابل دوربین ها قرار گرفتن و در فضای مجازی ظاهر شدن صرف بکند.

آن که عاشق است و مرد تلاش، حداکثر انرژی را باید در جهت دستیابی به اهداف، پیشبرد ورزش و تامین نیاز و خواسته جوانان ورزشکار صرف کند، گفتیم که در ورزش ایران اسلامی نباید هدف وسیله را توجیه کند و به طرق مختلف برای رسیدن به اهداف، اصول اخلاقی زیر پا گذاشته شود و یادآور شدیم که باید در پیشگاه احدیت جوا بگوی تمامی افعال و کردار خود باشیم پس لازم است نفس خود را مهار بکنیم و همه چیز را فدای پست و میز ریاست نکنیم.

این ها را گفتیم و نوشتیم و متاسفانه از سوی کسانی که خود را

مؤمن و متعهد و کارآ و عقل کل به حساب می آورند مورد بی مهری قرار گرفته و توسط نوچه ها و دست نشاندهگان نشان تهدید شدیم که چرا به ساحت مقدس، بی آرایش، پاک و به دور از هرگونه حاشیه، بی احترامی کرده ایم.

آنهایی که تاب تحمل کوچکترین انتقاد و شنیدن حرف حق را نداشتند برای ما داستان ها سرودند و عاشق این و طرفدار آن و کشته و مرده این مقام و آن مسؤول قلمداد کردند . گویا آنها عادت به شنیدن تعریف و تمجید دارند و لاغیر. آنها دامن خود را از هرگونه انتقاد و حرف و سخن مخالف باب میلشان، پاک و منزه می دانند و به هیچ صراطی مستقیم نبوده و نیستند جز صراط تعریف، ستایش و گنده گویی.

آماده ایم به خاطر ورزش و سربلندی آن و پاک شدن صحنه مردی و مردانگی و صداقت و انسانیت و فتوت و پهلوانی تاوان داده و به طرق مختلف مورد نوازش قرار بگیریم ولی به خاطر خوشایند این و آن و راضی نگاه داشتن سروران برای یک آگهی و رپرتاژ موضع بر حق خود را از دست ندهیم و چون بوقلمون هر روز رنگی تازه به خود بگیریم چرا که رستگاری دنیا و آخرت در اتخاذ روش مناسب و خداپسندانه و ایستادگی بر تحقق آنها می باشد.